

«سلول شماره ۱۴» در ایتالیا رونمایی شد

آیین رونمایی از ترجمه ایتالیایی کتاب «سلول شماره ۱۴، خون دلی که لعل شد» شامل خاطرات رهبرمعلم انقلاب اسلامی از زندان ها با حضور سفیر و اربین فرهنگی ایران درم برگزار شد. آنتولو ساکنی روزنامه نگار، نویسنده و مدیر سایت خبری «دیروز» که از فعالان اجتماعی شناخته شده در عرصه فضای مجازی است، گفت: نیاز به معرفی چنین کتابی در ایتالیا قابل احساس بود، بالاخص در شرایط امروز که برخی رسانه های غربی

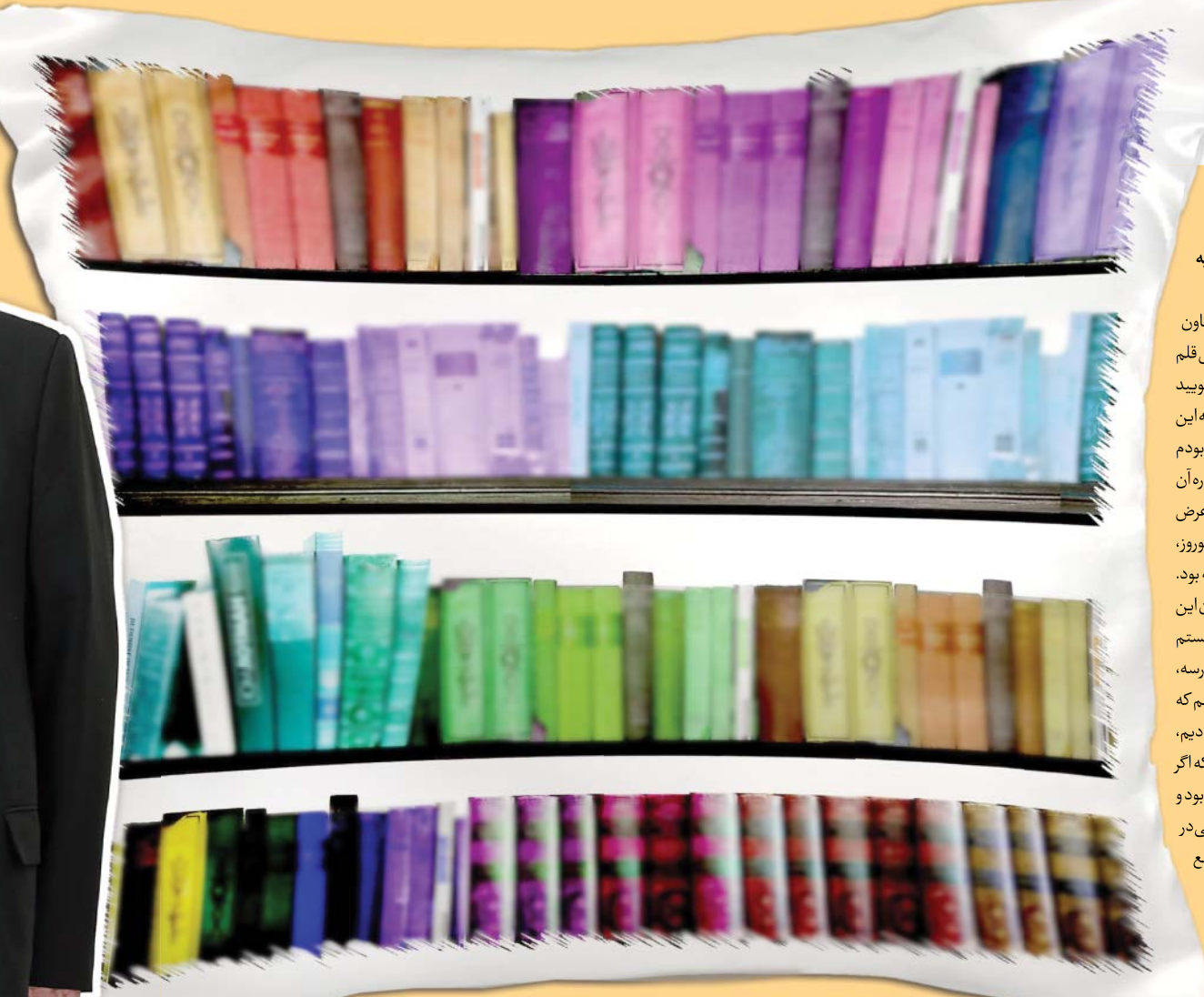
از هیچ تلاشی برای جلوه دادن تصویری مخدوش از جمهوری اسلامی ایران دریغ نمی کنند. سخنران بعدی نشست، فولویو گرمالدی، روزنامه نگار ایتالیایی بود که به عنوان خبرنگار مناطق جنگی به مدت ۴۰ سال با شبکه های دولتی رادیو-تلوویزیون ایتالیا RAI و شبکه های دیگری مانند BBC همکاری کرده و به ایران نیز سفر داشته و مستندی را به عنوان TargetIran تهیه کرده است.

گرمالدی سخنان خود را با معرفی غرب به عنوان مشکل و بحران ساز و شرق به عنوان امید و راه حل حکمرانی صلح در جامعه بشری آغاز کرد و گفت: ایران کشوری است که باید برای مشارکتش در مبارزه و مقاومت علیه شر، دروغ و ستم، از آن سپاسگزار بود. این روزنامه نگار ایتالیایی سپس به دو شخصیت برجسته، یحیی سنوار و آیتا... خامنه ای، اشاره کرد و آنها را «الگوی شجاعت» نامید که می توانند اعتماد به نفس ببخشند.



نشر، پاسوز قاجاق کتاب

نادر قدیانی معتقد است به جای حمایت مستقیم از ناشر، مخاطب یا نویسنده، باید از ترویج کتابخوانی در مدارس حمایت کرد



اهل قلم، ناشران و شما روزنامه نگاران را بهتر کرده اما از سوی دیگر

می بینید که طرف کتابی را کاملاً اشتباه ترجمه کرده و روی اینترنت می گذاشت،

ناشر هم آن را برمی داشت و منتشر می کرد. الان این وضعیت خیلی بدتر شده است، کتاب هایی را

که غالباً مشکل دارند و مجوز نمی توانند بگیرند، در خارج از کشور منتشر می کنند و این کتاب هادر

فضای مجازی قرار می گیرد. این ۲۵ هزار ناشر که فعال نیستند، بعد از چند سال وقتی می خواهد

مجوزشان باطل شود، چند جزوه کوچک پیدا و چاپ می کنند. در اینجاست که باید مسؤولان

شورای عالی انقلاب فرهنگی یک بازنگری در آیین نامه صدور این نوع مجوزها انجام دهند تا

بخوانند اوضاع را کنترل نمایند. چندی پیش در جلسه ای به مناسبت روز قلم با آقای جلیلی که

همه نویسنده ها در آن جلسه بودند، من هم به عنوان ناشر دعوت شده بودم. بعد از صحبت

دوستان، نوبت به من رسید، گفتم دغدغه من نگرانی اهل قلم است. شما یک خبرنگار با دوربین

به من بدهید، دوسه روز با من بیاید، هر ایستگاه مترو، راه آهن، فرودگاه در کل کشور فیلمبرداری

می کنم تا نشان داده شود. کتاب هایی را که با تخفیف ۵۰ و ۶۰ درصد در آنجا فروخته می شود،

همه رونویسی شده از کتاب های خوب ناشران ماست. قیمت واقعی که من ناشر زدم ۱۲۰ هزار

تومان، آنها پشت جلد زده اند ۲۰۰ هزار تومان. حالا من که قیمت گذاشته ام ۱۲۰ هزار تومان، باید

۲۵ درصد هم به مرکز بخرم تا در مغازه ها بخرش کند. حق او هم ۱۰ درصد می شود. مغازه دار

برش



ماجرای تلفن آقای وزیر و سفارش چاپ کتاب

خدا می داند من شاید هفت - هشت نفر را بد جور نرساندم اما و هر کاری هم کردم که با زبان نرم و با ظرافت صحبت کنم، نتوانستم مثلاً یک بار وزیرى به من زنگ زد که بچهای هست کتاب خیلی خوبی نوشته است، پدر بچه هم نزد ما آمد و از موضع بالا کتاب

کتابی در شرح نسبت ایرانی ها با غزه

«پایی در غزه» ۱۶ روایت از «ما و غزه» به کوشش ابراهیم اکبری دیزگاه در انتشارات سوره مهر به چاپ رسید.

چند هفته بعد از شروع طوفان الاقصی،

مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری

تعدادی از داستان نویسان را دعوت کرد

تا درباره فاجعه ای که در غزه رقم خورده،

گفت وگو کنند. پس از این جلسه اکبری

دیزگاه با همفکری بهزاد دانشگر مدیر دفتر

ادبیات داستانی حوزه هنری از تعدادی از

نویسندگان دعوت کردند تا ضمن تفکر بر

روی سؤال «ما چه نسبتی با غزه داریم؟»،

درباره این موضوع بنویسند. حاصل این

دعوت، ارائه ۱۶ روایت از ۱۶ نویسنده شد

که در این کتاب آمده است.

نادر قدیانی، مدیر و بنیانگذار انتشارات قدیانی است. همه عمر او در حوزه کتاب و نشر گذشته است و چه در کار انتشار و چه در کار فروش کتاب، تجربه ای طولانی را در این حوزه پشت سر گذاشته و امروز، کارشناسی خبره و آشنا به همه جوانب این صنعت است.

انتشارات قدیانی مخصوص در انتشار کتاب برای گروه سنی

کودک و نوجوان، یکی از موفق ترین ناشران است و به گواه

آمارهای خانه کتاب، این انتشارات پرفروش ترین ناشر

در بخش مجازی نمایشگاه بوده و غرفه آن در بخش حضوری نیز با ازد حام

و استقبال علاقه مندان به کتاب به خصوص کتاب های گروه سنی کودک

و نوجوان مواجه شده است. در هفته کتاب و کتابخوانی، او هممان تحریریه

جام جم بود و دیدگاه هایش را درخصوص مشکلات و چالش های پیش روی

کتابخوانی و راهکارهای برون رفت از این مشکلات بیان کرد.



آرش شفاهی
گروه فرهنگ و هنر

📖 در هفته کتاب و کتابخوانی هستیم، می خواهیم از شما به عنوان کسی که تجربه سال های طولانی در عرصه نشر و کتاب دارید، بپرسم با توجه به این که هفته کتاب درحقیقت تجسم فعالیت های ترویجی مادر حوزه کتاب است، چقدر این فعالیت ها را به شکلی که انجام می شود، تاثیرگذار می دانید؟

در یکی از دوره های نمایشگاه حدود ۲۵ سال قبل، احمد مسجد جامعی که در آن زمان معاون

فرهنگی وزارت ارشاد بود، در جلساتی با حضور تعدادی از ناشران، مدیران کل وزارت و اهالی قلم

ناخود آگاه این بحث را مطرح کرد که می خواهیم برگزاری هفته کتاب را آغاز کنیم و شما بگویید

که چه کنیم که این هفته، رونقی داشته باشد و چگونه می شود این حرکت را شروع کرد. البته این

را هم بگویم که هفته کتاب دوسه دوره قبل از انقلاب برگزار شده بود، آن زمان من نوجوان بودم

و می دیدم که در کتابخانه یا یک شهر برنامه هایی برگزار می شود اما اطلاعات دقیق تری درباره آن

دوره ندارم. منتها در آن جلسات خودم بودم و از جایی که در جریان هستم، خدمت تان عرض

می کنم. آن زمان بحث این بود که چه کنیم که مراسم این هفته فراگیر باشد و مانند عید نوروز،

جامعه را به سمت خودش بکشاند. یکی از طرح ها، برگزاری ۱۰۰۰ نمایشگاه در ۱۰۰۰ مدرسه بود.

یکی از دوستان شما عدد ۱۰۰۰ را می فهمید؟ یا دوستان گفتیم بله می فهمیم ولی چون این

کار زیرساخت و پیش بینی نداشت، تنها روشی که می شد آن را پیاده کرد، استفاده از سیستم

آموزشی و استفاده از بچه های امور تربیتی آن زمان بود. البته ۱۰۰۰ نمایشگاه در ۱۰۰۰ مدرسه،

نسبت به کل کشور هم عدد آنچنان بزرگی نیست. این را تصویب و اعلام کردیم و پذیرفتم که

حتی در صدی از پول مان هم بزنگرد. اگر فقط به هر مدرسه یک کارتن کتاب هم می دادیم،

خودش عدد بزرگی می شد که گفتیم معاونت فرهنگی یک بخشی از آن را به عهده بگیرد که اگر

برنگشت، درصدی از آن جوران شود. آن نمایشگاه در سال اول، با وجود این که تجربه اول بود و

تعداد مطبوعات هم به گستردگی الان نبود ولی با استقبال بسیار خوبی برگزار شد و نمره قبولی در

گام اول را گرفت. اصل قضیه از سال دوم به بعد شروع می شد. تا زمانی که این نمایشگاه جمع

شد و پول ناشران را تسویه کنند، خود این کار در طول سال، جاری بود و همزمان جلساتی

برای برنامه ریزی در سال های بعد هم برگزار می شد. آقای محمود ابراهیمی که آن زمان

مدیر انتشارات مدرسه وزارت آموزش و پرورش بود و بعدها معاون اداری مالی آقای

مظفر در وزارت آموزش و پرورش شد و دوره ای هم مدیرکل چاپخانه سازمان تبلیغات

بود، گفت که من این تعداد را می کنم ۲۰۰۰ نمایشگاه و اجرایش را هم به عهده می گیرم.

با معاونت فرهنگی قراردادی بست در حد این که پول کارتن، بسته بندی، تخته کشی و

کارگر را بگیرد و ۲۰۰۰ نمایشگاه برگزار کرد و طبق قرارداد پول ناشران را هم داد. فکر می کنم هفت

هشت سال تا نمایشگاه دوم این کار را به خوبی ادامه داد و این باعث شده بود که آموزش و

پرورش را درگیر موضوع کند، یعنی مدارس همه چاپ تبلیغ کنند و کتاب های خوب انتخاب شود و به

مدارس برسد. البته شرایط زمانی را هم توجه داشته باشید- حدود سال ۸۰، رونق اقتصادی خیلی

قوی بود. کتاب ها در آن زمان روز به روز تولید می شد و متولدین دهه ۶۰ و ۷۰ به دوره نوجوانی

رسیده بودند و یواش یواش از دوره کودکی فارغ و اهل کتاب می شدند. رسانه ها و تلوویزیون از این

حرکت استقبال زیادی کردند و مراسم مختلفی برای تقدیر از عوامل مؤثر بر رونق کتاب از خبرنگار

و کتابدار گرفته تا معلم موفق در ترویج کتاب در مدرسه و ناشر و اهالی قلم برگزار می شد. این امر

روز به روز شرایط کتابخوانی را رونق می داد. ولی بعدها، این توجهات و بهایی که به کتاب داده

می شد، کاهش یافت. در این دوران آرام آرام متولدین اول انقلاب و دهه ۶۰ که فارغ التحصیل

شده بودند و دنبال شغل می گشتند، پروانه نشر گرفتند در حالی که وزارت ارشاد و مجامع قانونی

نشر را به عنوان یک شغل به حساب نیاوردند و این باعث شد که هر کارمندی بتواند پروانه نشر

بگیرد. طرف مدیرکل یک اداره است، پروانه نشر هم دارد. همین امروز فکر می کنم حدود ۲۵ هزار

پروانه نشر داشته باشیم، در کشوری که ۹۰ درصد تولید کتابش دست صد ناشر است، این اتفاق

افتاده است. حتی اگر ناشرهایی را که ۲۰ کتاب بیشتر ندارند، در نظر بگیریم، جمع ناشران فعال ما

به ۵۰۰ تا هم نمی رسد، این ۵۰۰ ناشر را در مقابل ۲۵ هزار ناشر بنگاریم، تفاوت مشخص می شود.

📖 یعنی به نظر شما مشکل اصلی نشر ما، تورم ناشران مجوزدار اما غیر فعال است؟

از سال ۸۵ به بعد آرام آرام هرچه جلوتر آمدیم، رکود نشر را بیشتر دیدیم. این مسأله عوامل مختلفی

دارد. یک عامل این است که آن روز ۱۰ هزار ناشر داشتیم، امروز ۲۵ هزار ناشر، برای بیشتر آن ۱۰ هزار

ناشر آغازین و بقیه تا سال های میانی دهه ۸۰، به صورت پراکنده کاغذ دولتی وجود داشت؛ البته

این کاغذ دولتی، نیاز یک ناشر حرفه ای مثل ما را تا همین نمی کرد ولی بخشی از نیاز را برآورده می کرد.

این را توجه داشته باشید که اختلاف بازار آزاد با قیمت دولتی هم عددی نبود. مثلاً یک بسته

کاغذ دولتی ششصد هفتصد هزار تومان بود و قیمت بازار آزاد، یک میلیون تومان. این بیست سی

درصد، زیاد خودش را نشان نمی دهد، مگر این که در حجم زیاد باشد. ضمن این که در آن زمان،

دنیا ای مجازی و اینترنت به گستردگی امروز نبود. این فناوری ها شرایط و امکانات مردم و جامعه

دخترش را آورد و به خیال این که وزیر زنگ زده و من باید فوراً و

بله قربان گویان کتاب را دو روزه چاپ کنم، به او گفتم این دختر

شما انگیزه نوشتن دارد ولی در اول راه است. شما این داستانش

را ببر بده کیهان بچه ها بخوانند، اگر این قصه قشنگ بود،

آنجا چاپ کنند. آنجا یک بار مصرف است و هفته دیگر نیست

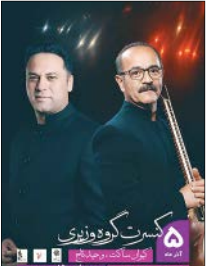
و شماره بعشش می آید، هیچ جا هم به ثبت نمی رسد. خوب و

بدش هم نمایان نمی شود ولی کتاب وقتی که در کتابخانه ملی

فهرست نویسی شد و من چاپ کردم، مادام العمر کتاب بچه

شما خواهد بود، بعد وقتی این دختر ۲۵ و ۲۵ ساله شد، ادبیاتش

قوی شد و در جامعه وارد شد، اصلاً به کتابش نگاه نمی کنند. از



«وزیری» روی صحنه برویم.

وی با اشاره به این که وحید تاج در این کنسرت به عنوان خواننده حضور دارد، تاکید

کرد: من مدتی در تهران کنسرت برگزار نکردم و این کنسرت آغاز کنسرت های ما در

تهران است. همچنین در شهرهای دیگر هم به اجرای برنامه می پردازیم که به زودی

اطلاعات دقیق آن منتشر خواهد شد. او افزود: در این کنسرت نوازندگان سازهای

قانون، فلوت، ویولا، تنبک، دف، کاخن، نی، کمانچه، تار، باس، عود و... من را همراهی

می کنند. همچنین گروه «وزیری» ۱۵ نوازنده هستند که سال گذشته کنسرت های

زیادی را با ایشان در شهرستان ها برگزار کردیم. این نوازنده در پایان گفت: سینا

جهان آبادی، پاشا هنجی، اشکان مرادی، مرجان مهربان، فروش باقری، سالار

زمانیان، طناز اسدالهی، ارغوان منتظری، مهدی غلامی، کیارش ساکت، سیاوش

ساکت و علی احمدمادی از اعضا و نوازندگان گروه هستند.

نوا

کیوان ساکت با آواز وحید تاج به صحنه می رود

کیوان ساکت از برگزاری کنسرت گروه «وزیری» در

تالار وحدت با صدای وحید تاج خبر داد.

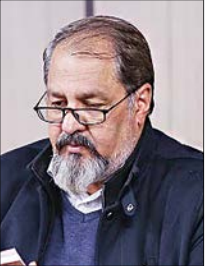
این آهنگساز نوازنده گفت: هم اکنون در تدارک

و برنامه ریزی برای برگزاری کنسرت هستیم و قرار

است، پنجم آذرماه در تالار وحدت به همراه گروه

ادبیات

کار شعر هرگز تمام نخواهد شد



صادق رحمانی شاعر و مدیر فرهنگی در

یادداشتی در ایبنا نوشت: از این که شعر

شاعران اصیل و بزرگ ما تا هنوز زنده است و

نفسی می کشد، این است که شعر آنان به شیء

تبدیل نشده و در هر روزگاری، مردی از سر

وظیفه، آن را توسعه داده است. هنوز شعر آنان مورد استفاده است؛ چه در آیین های

خاص همچون آغاز سال نو یا شب یلدا. درست است که مردم ممکن است به عمق

مفاهیم پی نبرند اما همین در دسترس بودن شعر و غزل، شعر را از دیده ها خارج

نمی کند. شعر همیشه پیش چشم ماست.

وی با تاکید بر اهمیت پرداختن بیشتر رسانه ها به شعر و ادبیات، افزود: اگر چیزی از

دسترس و چشم رس مردم خارج شود، از مدار اندیشه او هم خارج می شود؛ این است،

این روزها مثلاً فوتبال و سینما، ذهن ما را بسیار مشغول به خودش می دارد. شاید حواس

مردم به جای دیگری است اما این شعر و ادبیات است که زبان و جهان ما را گسترش

خواهد داد. گرچه سینما هم هست، صنعت و تکنولوژی هم هست. بنابراین کار شعر،

هرگز تمام نخواهد شد!



📖 QRکد بفرستید و گفت وگو